

پراکندگی‌های قومی - مذهبی در رژیم صهیونیستی و جایگاه آنها در جامعه و سیاست (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)

سلمان رضوی^۱

چکیده

برخلاف تصویرسازی رسانه‌های غربی - صهیونیستی از ساختار دموکراتیک رژیم اسرائیل، جامعه این رژیم با گردآوری یهودیان در قالب موج‌های مهاجرتی (اسکان اشغالگرانه) به‌ویژه طی ۴ دهه اول آن از اقصی نقاط جهان به فلسطین اشغالی، به شکل امروزی در آمده است. پرسش‌های مقاله این است که گروه‌های قومی - مذهبی در رژیم صهیونیستی کدامند و از چه جایگاهی در ساختار اجتماعی و حکومتی این رژیم برخوردارند؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و چارچوب نظری آن، نظریه ارتباطات میان فرهنگی و کوره مذاب است. بر اساس یافته‌های مقاله می‌توان گفت جامعه اسرائیل از گروه‌های قومی و مذهبی متعددی شامل اشکنازی‌های سکولار، یهودیان صهیونیست مذهبی، یهودیان مذهبی سفاردیم، یهودیان مذهبی اشکنازی، مهاجران یهودی روس‌تبار، مهاجران یهودی فلاشا و فلسطینی‌های ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ تشکیل شده است. در این جامعه، صهیونیست‌های سکولار و مذهبی بیشترین بهره‌های اجتماعی - سیاسی و در مقابل، فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و یهودیان فلاشا، پایین‌ترین امتیازات سیاسی - اجتماعی را دارند. ناکامی در ادغام یا همسان‌سازی گروه‌های متناقض و بعضاً متضاد از نظر فرهنگی و قومی - نژادی علیرغم گذشت هفت دهه، نشانگر شکست ایده کوره مذاب و ارتباطات میان فرهنگی در جامعه صهیونیستی است. در واقع، تعمیق گسل‌های مذهبی و نژادی، چشم‌انداز زوال این رژیم را بیش از گذشته تشدید کرده است.

واژه‌های کلیدی: رژیم صهیونیستی، گروه‌ها و گسل قومی - مذهبی، کوره مذاب، رسانه
برون مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

^۱ دکترای مطالعات منطقه‌ای، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Zahed.resercher@gmail.com



۱. مقدمه

جامعه رژیم صهیونیستی جامعه‌ای موزاییکی است که به گروه جوامع عمیقاً منشعب‌شده یا تقسیم‌شده عمیق، تعلق می‌گیرد. این ویژگی از ماهیت اسکانی و شهرک‌نشین بودن این جامعه نشأت گرفته که از خلال مهاجرت یهودیانی با ملیت‌های گوناگون از نقاط مختلف جهان و اضافه شدن آنها به جامعه فلسطینی ساکن در فلسطین اشغالی به وجود آمد و البته این روند با درگیری‌ها، جنگ‌ها، وقایع و حوادث متعددی همراه بوده است. فاجعه کنونی در جامعه فلسطین با نقش‌آفرینی صهیونیسم و حمایت قدرت‌های استعماری ایجاد شده که طی آن تلاش شده است تا در داخل مرزهایی که به خط سبز معروف شده است یک ملت جعلی را متشکل از یهودیان سراسر جهان ایجاد کنند و البته آنها را بر مسلمانان و بومیان ساکن این منطقه تحمیل نمایند.

اسرائیل، جامعه‌ای است که از طریق مهاجرت، اسکان و شهرک‌سازی بر ویرانه‌های جامعه اصلی بنا شده است و این، ویژگی اساسی و عنصر کلیدی در تفسیر شکاف‌های اجتماعی در اسرائیل است. مهاجرنشین بودن ساکنان این رژیم از دیگر مشخصه‌های آن است که می‌توان از آن به ویژگی جوهری در تفسیر و فهم پدیده اسرائیل یاد کرد. به عقیده عبدالوهاب المسیری^۱، وضعیت اسرائیل یک الگو یا یک نمونه اصلی از الگوهای اسکان مهاجران یعنی «اسکان اشغالگرانه» است. جامعه اسرائیل جامعه جدید هم محسوب می‌شود که از طریق مهاجرت‌های گوناگون شکل گرفته است. سامی سموحا^۲، یکی از پژوهشگران اسرائیلی معتقد است جامعه اسرائیل جزو جوامع جوانی است که مهاجران اسکان‌یافته و اروپایی آن را بنا کردند و با دولت‌هایی که برپایه استعماری تأسیس شده‌اند همانند آمریکا، آفریقای جنوبی و استرالیا ویژگی‌های مشترک زیادی دارند. ویژگی دیگر این جامعه، چندگانه بودن است. بدین معنا که از خرده فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، طوایف و نژادهای گوناگون تشکیل شده و البته انشعاب اصلی همان انشعاب بین یهودیان و فلسطینی‌های مسلمان و فلسطینی‌های یهودی و مسیحی اراضی اشغالی است (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۹۳).

^۱ Abdel vahab el messiri

^۲ Sammy Smooaha



باروخ کیمرلینگ^۱، پژوهشگر اسرائیلی، پس از بررسی خرده فرهنگ‌های متعدد در جامعه اسرائیل، حداقل از ۷ جامعه شهروندی نام می‌برد که هر یک به شکلی در زندگی روزمره از یکدیگر جدا و منشعب هستند و شبکه رسانه‌ای و خدماتی مخصوص به خود را دارند. این خرده فرهنگ‌ها و جوامع فرعی عبارتند از: اشکنازی‌های سکولار، یهودیان صهیونیست مذهبی، یهودیان مذهبی سفاردیم، یهودیان مذهبی حریدیم اشکنازی، مهاجران یهودی روس‌تبار، مهاجران یهودی اتیوپی‌تبار یا فلاشا و عرب‌های اسرائیلی یا همان فلسطینی‌های اصلی ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۹۰).

چندگانگی قومی، نژادی و دینی موجب شده است با وجود گذر زمان طی بیش از هفتاد سال، همچنان این رژیم با شکاف‌های متعدد و عمیق همراه بوده و این امر در شرایط کنونی خود را در قالب اعتراضات مکرر و به‌صورت هفتگی از سوی حاشیه‌نشینان نشان داده است.

صهیونیست‌ها تلاش زیادی انجام داده‌اند تا سیاست‌های خود را در حوزه اجتماعی در قالب سیاست‌های همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام و مذاهب گوناگون، موفق نشان دهند. اما طی سال‌های اخیر مصادیق متعددی دال بر شکست این سیاست‌ها رخ داده است. یکی از این مصادیق، ناکامی نتانیاوو و ساختار حکومتی این رژیم در تشکیل دولتی پایدار می‌باشد. برگزاری ۴ انتخابات پارلمانی طی دو سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) و ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) با هدف تشکیل کابینه که امری بی‌سابقه و جدید است نشان از انتقال ترکش‌های شکاف‌های قومی-مذهبی از هرم جامعه به راس جامعه و حکومت است. تلاش احزاب عموماً میانه‌رو و چپ‌گرای این رژیم در تشکیل دولتی بدون حضور نتانیاوو، در حقیقت عدم تساهل و تسامح میان آنان و متصلب شدن اختلافات و شکاف‌ها در این سیستم و جامعه را نشان می‌دهد.

واقعه دیگری که از شکست سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی صهیونیست‌ها در اجرای سیاست «کوره مذاب» برای کمرنگ نمودن مختصات و ویژگی‌های هر کدام از این اقوام و گروه‌ها حکایت دارد به تبعات جنگ ۱۱ روزه ۲۰۲۱ در نوار غزه بر می‌گردد. واکنش فلسطینی‌های مقیم فلسطین اشغالی یا اراضی اشغالی ۱۹۴۸ به حملات نیروهای صهیونیستی به نوار غزه، موجب غافل‌گیری سران این رژیم شده است. فلسطینیان مذکور که پس از قیام در سال ۲۰۰۰ و همزمان با انتفاضه الاقصی، حرکت ضداسرائیلی قابل‌ملاحظه‌ای پس از آن نداشتند، در

^۱. Baruch Kimmerling



جنگ ۱۱ روزه و پس از ۲۱ سال دوباره و کاملاً سراسری و قدرتمندانه وارد عرصه اعتراض و مخالفت شدند. این اعتراض‌ها زنگ خطر را برای صهیونیست‌ها به صدا درآورد و بسیاری از تحلیلگران صهیونیستی آن را بسیار خطرناک‌تر از موشک‌های نیروهای مقاومت مستقر در نوار غزه بیان کردند. قرار بود در قالب کوره مذاب، فرایند ادغام گروه‌ها به‌ویژه گروه‌های مهاجر با وابستگی‌های نژادی گوناگون به‌صورت سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده صورت گیرد که عملاً با شکست مواجه شد.

در باب ضرورت و اهمیت این پژوهش می‌توان گفت جایگاه ویژه مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ایجاب می‌کند که ابعاد گوناگون این رژیم مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. یکی از این ابعاد، بُعد داخلی و اجتماعی این رژیم است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان منشاء شکاف‌ها و اختلافات متعدد بوده و به نوعی سرمنشاء تضعیف و زوال رژیم را باید از این نقطه پیگیری نمود. هرچند که شکاف‌ها از ابتدای تاسیس رژیم اسرائیل وجود داشته، اما عوامل متعدد به‌ویژه تهدید خارجی، موجب انسجام و اتحاد یهودیان شده بود. با گذر زمان و تثبیت این رژیم، عوامل واگرایانه، تقویت شده و با کنار رفتن منسخت‌ها، گروه‌های متعدد قومی - مذهبی صهیونیستی، ماهیت اصلی خود را نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد چنین روندی نشانه‌های تضعیف جامعه صهیونیستی در میان مدت و فروپاشی درونی آن در بلند مدت را آشکار می‌سازد.

تبیین گسل‌های شدید میان اقوام در اسرائیل و نقش این موضوع در زوال اسرائیل در ۲۵ سال آینده که مقام معظم رهبری (۱۳۹۴/۰۶/۱۸) به آن اشاره کرده‌اند، اهمیت فراوانی دارد. چراکه شناسایی پراکندگی اقوام، گروه‌ها و نژادهای متعدد در جامعه رژیم اسرائیل و اختلافات و شکاف‌های میان آنان موجب ارزیابی‌های دقیق‌تر از آینده این شکاف‌ها و گسل‌ها خواهد شد. برون‌مرزی رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این زوایا و مسائل می‌تواند از ادبیات دقیق‌تر و مناسب‌تری برای بازنمایی رسانه‌ای اختلافات آنها و تحلیل آینده این شکاف‌ها و مشکلات استفاده کند. در نوشتار حاضر، هدف اصلی، شناسایی گروه‌های قومی - مذهبی در رژیم صهیونیستی و جایگاه آنها در جامعه و سیاست (با تأکید بر دولت بنت) است.

پرسش اصلی این است که در رژیم صهیونیستی پراکندگی‌های قومی - مذهبی چگونه‌اند؟ گروه‌های قومی - مذهبی کدامند و این گروه‌ها در ساختار اجتماعی و حکومتی آن، از چه وضعیتی و جایگاهی برخوردار هستند؟ به‌عنوان فرضیه می‌توان گفت که این جامعه از گروه‌های قومی و



مذهبی متعددی شامل اشکنازی‌های سکولار، یهودیان صهیونیست مذهبی، یهودیان مذهبی سفاردیم، یهودیان مذهبی خریدیم اشکنازی، مهاجران یهودی روس‌تبار، مهاجران یهودی اتیوپی‌تبار و فلسطینی‌های اصلی ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ تشکیل شده است. صهیونیست‌های سکولار و مذهبی در این جامعه از بیشترین امتیازات اجتماعی و سیاسی برخوردارند و این در حالی است که فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و یهودیان اتیوپی‌تبار از کمترین بهره‌های سیاسی - اجتماعی برخوردار بوده و همواره در معرض تبعیض قرار داشته‌اند. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و تکنیک گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

۲. پیشینه پژوهش

افتخاری در «جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل» هرچند سعی داشته جامعه اسرائیل را به مخاطبان معرفی کند، اما به‌طور مجزا به گروه‌ها و اقوام نپرداخته است. ابوحسنه در «کالبدشکافی جامعه صهیونیستی در فلسطین اشغالی» (۱۳۸۱)، به تشریح صف‌بندی‌ها و موضوعات چالش‌زا در رژیم اسرائیل می‌پردازد. این پژوهش عمدتاً به صف‌بندی‌ها و چالش‌های میان دین‌داران و لاییک‌ها می‌پردازد. کتاب فلسطینی‌های ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ (۱۴۰۰) که توسط ابراهیم ابوجابر و همکاران تألیف شده، دارای مقالات متعدد در مورد شیوه‌های گوناگون رژیم اسرائیل در اعمال تبعیض و محدود ساختن فلسطینی‌های مذکور می‌باشد. این کتاب نیز به اقوام و گروه‌های یهودی اسرائیل نپرداخته، بلکه صرفاً بر فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ متمرکز شده است. «ده غلط مشهور درباره اسرائیل» (۱۳۹۹) عنوان پژوهشی از ایلان پایه نویسنده منتقد و مشهور اسرائیلی است. ایلان پایه در این تحقیق تلاش کرده است ضمن اشاره به دروغ‌پردازی‌های رژیم صهیونیستی در چند دهه گذشته به تشریح بخشی از ظلم و ستم این رژیم علیه فلسطینی‌ها بپردازد. این پژوهش نیز به ساختار قومی - مذهبی اسرائیلی‌ها و انشقاق میان آنها توجه نداشته است. ندیم روحانا و همکارانش در پژوهشی با عنوان «فلسطینی‌ها در رژیم صهیونیستی؛ خوانش‌هایی در تاریخ، سیاست و جامعه» (۱۴۰۰)، وضعیت فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ را توضیح می‌دهند. هر کدام از پژوهش‌های مورد اشاره به یک بخش یا بخش‌هایی از گروه‌های قومی و مذهبی متعدد در رژیم صهیونیستی و جایگاه آنها در ساختار اجتماعی و حکومتی اشاره می‌کنند. با توجه به جامعیت بحث گروه‌های قومی - مذهبی مقاله پیش رو، یافته‌های این مقاله می‌تواند مکمل پژوهش‌های پیشین باشد.



۳. چارچوب و ادبیات نظری

۳-۱. ارتباطات میان فرهنگی

ارتباطات میان فرهنگی به ارتباط میان اعضای دو فرهنگ متفاوت اطلاق می‌شود. افرادی که در دو یا چند جغرافیای فرهنگی قرار دارند با دشواری می‌توانند همدیگر را درک کنند. در ادبیات موجود در حوزه میان فرهنگی زبان، قومیت، نژاد، جغرافیای سیاسی و مانند آن را ملاک تمایز فرهنگی قلمداد کرده‌اند. ارتباطات میان فرهنگی ابتدا موجب توجه به جهان اطراف، فرهنگ‌های دیگر و شناخت آنها می‌شود. این شناخت، کمک می‌کند تا خود را نیز بهتر بشناسیم، زیرا مفهوم «خود» و «دیگری»، در توجه به وجوه مشترک و تفاوت‌ها نهفته است. همچنین، ابزار و شیوه‌هایی که امکان ارتباط با این فرهنگ‌ها را ایجاد می‌کند و مسائلی را که می‌تواند به عنوان موضوعات مطلوب دو طرف در این ارتباط مورد توجه قرار گیرد، برای ما روشن می‌کند (رضی، ۱۳۹۹). به بیان دیگر ارتباط میان فرهنگی، ارتباط میان مردمانی است که ادراکات فرهنگی و نظام نمادین آن به حدی از یکدیگر متمایز است، که پدیده‌های ارتباطی را متفاوت جلوه می‌دهد (Samovar, 1995: 58).

بر اساس نظریه ویور، روابط میان فرهنگی به کنش متقابل انسان‌ها از فرهنگ‌های گوناگون مربوط می‌شود. این کنش متقابل، هم در سطح میان فردی و هم در سطح ملی صورت می‌پذیرد. هنگامی که افراد از فرهنگ‌های متفاوت با هم ارتباط برقرار می‌کنند، روابط آنان می‌تواند آکنده از فشار و بی‌اعتمادی و غیرمفید باشد (Fischer, 1996: XIV). تعریف دیگر، بیان می‌کند که وقوع ارتباطات میان فرهنگی هنگامی است که پیام تولید شده در یک فرهنگ، باید در فرهنگ دیگر پردازش شود (Ibid: 7).

ارتباطات میان فرهنگی گونه‌های متعددی دارد، که برخی از آنها عبارتند از:

ارتباطات میان نژادی^۱: پیدایی این نوع ارتباطات، هنگامی است که پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده از نژادهای مختلف باشند. این نوع ارتباطات میان فرهنگی، مشکلاتی را از قبیل «پیش‌داوری نژادی، استفاده از قدرت به وسیله فرهنگ غالب و در نهایت جهت‌گیری قوانین حاکم و شکل‌گیری یک نظام ارزشی مبتنی بر نژاد در رسانه‌ها و دیگر نهادهای جامعه»، در پی خواهد داشت.

^۱. Interracial communication



ارتباطات میان‌قومی^۱: این نوع ارتباطات، زمانی به‌وجود می‌آید، که مشارکت کنندگان در ارتباط (ارتباط‌گران)، از یک نژاد اما از ریشه‌های قومی مختلف با پیشینه‌های قومی گوناگون باشند. ارتباط میان انگلیسی‌زبانان و فرانسه‌زبانان در کانادا، از این گونه است.

ارتباطات درون‌فرهنگی^۲: ارتباطات میان اعضای یک فرهنگ واحد است. در بررسی عناصر ارتباطات میان‌فرهنگی، باید به عناصر اجتماعی - فرهنگی توجه کرد که در زمان برقراری این نوع ارتباطات در هم می‌آمیزد و به‌صورت مجموعه‌ای واحد آشکار می‌شود.

به‌نظر می‌رسد که صرف‌نظر از معنای عام ارتباطات میان‌فرهنگی، معنای خاص آن بیشتر به ارتباط در سطح میان فردی توجه دارد و مسائلی را که بین دو فرد از دو فرهنگ متفاوت در این زمینه به وجود می‌آید - به‌ویژه مسائل ذهنی و در فهم متقابل - بررسی می‌کند (Samovar, 1995: 58-61).

تعارض (برخورد) فرهنگی^۳: تعارض یا برخورد، به‌معنای مبارزه کردن، برخورد و ضربه زدن، است. استفاده از این واژه هنگامی است که دو یا چند نفر، یا دو یا چند گروه با یکدیگر به هر دلیل - مادی یا اندیشه‌ای - در ستیز هستند. کشمکش، حالتی از مبارزه و تنازع را پدید می‌آورد که هر دوطرف نزاع به‌وسایلی دست می‌یازند تا دیگری را وادار به تسلیم کند. کشمکش‌ها به نسبت تعداد ابعاد حیات، تعدد دارند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۲). در تعریفی دیگر تعارض فرهنگی عبارت است از مخالفت نیروهایی که افراد یا گروه‌های متعلق به دو فرهنگ متفاوت، با آنها برخورد می‌کنند (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۱۰۵).

رقابت فرهنگی^۴ به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: دسته اول رقابت بین عناصر گوناگون یک فرهنگ با یکدیگر، که از آن به‌همنشینی درونی تعبیر می‌شود و دسته دوم رقابت فرهنگ‌ها برای بقا و نفوذ در یکدیگر، که می‌توان آن را در خانواده کنونی جهان میان فرهنگ‌های صنعتی و غیرصنعتی دید که به اشغال فرهنگی جهان سوم و گاهی به امحای فرهنگ آن می‌انجامد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۰).

1. Interethnic communication

2. Intracultural communication

3. Cultural conflict

4. Cultural competition



۳-۲. نظریه کوره مذاب

مهمترین پیامد قرارداد وستفاليا در سال ۱۶۴۸، تشکیل کشور- ملت به سبک امروزی به‌ویژه در اروپا بوده است. اما تعدد قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در داخل این کشور- ملت‌ها موجب مشکلاتی در اداره و مدیریت دولت‌ها شده بود. دولت‌ها برای حل مسائل قومی، یکی از این ۳ الگوی سیاست‌گذاری قومی- فرهنگی را انتخاب کردند که عبارتند از: همانندسازی، کوره مذاب و تکررگرایی. در مدل همانندسازی، گروه‌های قومی باید دست از آداب و رسوم اولیه بردارند و رفتار خود را بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. گیدنز می‌گوید که سیاست‌های انگلیس متوجه همانندسازی است. اما در مدل کوره مذاب، سنت‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ‌های مختلف گروه‌های قومی یک جامعه در هم می‌آمیزند تا الگوهای فرهنگی جدید و تحول یافته‌ای ایجاد کنند. برخی معتقدند این مدل، مطلوب‌ترین مدل است (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹). در مدل کثرت‌گرایی فرهنگی، گروه‌های قومی به‌صورت جداگانه موجودیت دارند و به‌منزله مشارکت‌کنندگان برابر و یکسان در زندگی اقتصادی و سیاسی نگریسته می‌شوند (همان: ۱۳۰).

کوره مذاب از نظر فنی به صنایع و فرآیندهای تولیدی شیمیایی یا فیزیکی اشاره دارد. در این مفهوم، کوره‌ها با درجه حرارت‌های متعدد، فلزات و مواد را ذوب کرده و درصدد تبدیل آنها به موادی جدید هستند. در علوم اجتماعی نیز، با اخذ این معنا، به چارچوبی اجتماعی یا سیاسی اشاره می‌شود که فرآیند ادغام گروه‌ها با یکدیگر به‌ویژه در مورد گروه‌های مهاجر با وابستگی‌های نژادی مختلف در آن تقویت می‌شود. در بافت اجتماعی، در نتیجه، این کنش‌ها، یک ماهیت یا عنصر جدید تشکیل می‌شود و گروه‌های مشارکت‌کننده در این فرآیند، ویژگی‌های اصلی خود را یا از دست می‌دهند یا این ویژگی‌ها تا حد زیادی تضعیف می‌شوند (Ephraim Ya'ar, 2005: 93). آنتونی گیدنز که کتاب وی با عنوان «تأسیس جامعه» (۱۹۸۴) در دهه نود، نقش زیادی در توسعه نظریه چندفرهنگ‌گرایی داشت، معتقد است در مدل «کوره ذوب»، به جای آنکه سنت‌های اقلیت‌ها به نفع سنت‌های غالب از میان برود، این دو سنت در هم می‌آمیزند تا الگوهای فرهنگی جدید ایجاد کنند (کاظمی و کفایی فر، ۱۳۹۹: ۹۵).

۴. گروه‌های قومی - مذهبی در رژیم صهیونیستی

تعدد قومی، نژادی و مذهبی یهودیان، ناشی از پراکندگی یهودیان در مناطق مختلف جهان است، چرا که یهودیان جهان به دلیل این پراکندگی از نظر زبان، فرهنگ و تمدن با هم متفاوت هستند و یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم آنان به یهودیان اشکنازی و سفاردیم است. اما در جامعه



کنونی رژیم صهیونیستی علاوه بر این‌ها، می‌توان از مذهبی‌ها، روس‌تبارها، یهودیان اتیوپی و فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ نام برد که در این اراضی زندگی می‌کنند و نمایانگر قومیت‌ها و گروه‌های اصلی داخل جامعه رژیم اسرائیل هستند. در ادامه به این گروه‌ها اشاره می‌شود:

۱-۴. اشکنازی‌ها

منظور از اشکنازی که ریشه در یک واژه عبری به نام آلمان دارد، یهودیان اروپایی و شوروی سابق را شامل می‌شود (سروش‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۴). آنها از تبعیض و آزار در اروپا رنج برده و رژیم اسرائیل نیز به‌دست این مهاجران اروپایی برپا شد و با آنکه اکثریت ساکنان اسرائیل (فلسطین اشغالی) را تشکیل نمی‌دهند اما سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی و دولت را به دست دارند (ماضی، ۱۳۸۱: ۲۰). رهبران تاریخی صهیونیسم که در تأسیس رژیم صهیونیستی مشارکت داشتند و نیز نخبگان حاکم اسرائیل همگی اشکنازی‌اند و اکثریت مطلق آنها از لهستان یا شوروی بودند.

۲-۴. یهودیان صابرا

یهودیان صابرا، بر حسب تعریف و از لحاظ نظری همه یهودیانی هستند که در خاک فلسطین زاده شده‌اند، اما در عمل، به فرزندان یهودیان اشکنازی که سپیدپوست بوده و دارای سطح علمی و فرهنگی بالاتری هستند، اطلاق می‌شود. فرزندان یهودیان شرقی را که در خاک فلسطین متولد شده‌اند، جزو یهودیان صابرا به شمار نمی‌آورند. نسل صابرا، از سطح علمی و فرهنگی برتری برخوردار است و مراکز مهم اقتصادی، صنعتی، دانشگاهی و نظامی را در دست دارد (ماضی، ۱۳۸۱: ۲۱).

۳-۴. سفاردی‌ها

سفارد یا سفاراد، یک واژه عبری و به معنی اسپانیا است. سفاردی‌ها، یهودیانی هستند که از شبه‌جزیره ایبریا (شامل اسپانیا و پرتغال) به فلسطین آمده‌اند. امروزه واژه سفاردی از نظر معنایی توسعه‌یافته و تمامی جوامع یهودیان شمال آفریقا، عراق، سوریه، یونان، ترکیه و سایر یهودیان غیر اشکنازی را شامل می‌شود (سروش‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۳). سطح فرهنگی و اقتصادی یهودیان سفاردی پایین‌تر و محافظه‌کاری دینی آنها بالاتر است. این گروه از یهودیان مورد تبعیض نژادی از سوی یهودیان غربی قرار می‌گیرند (ماضی، ۱۳۸۱: ۲۱).



۴-۴. مذهبی‌ها

هر چند که به‌سختی می‌توان از دینداری و لائیک بودن در جامعه صهیونیستی تعریفی ارائه کرد اما بیشتر دینداران در اسرائیل متدین نیستند و عمده لائیک‌ها هم به مفهوم خاص آن لائیک به‌شمار نمی‌روند (ابوحسنه، ۱۳۸۱: ۲۸). پژوهشگران، اقشار جامعه یهودی اسرائیل را به‌لحاظ پایبندی به دین به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند: دسته اول مذهبی‌ها (داتییم) که شامل دو زیر مجموعه مذهبی‌های صهیونیست و مذهبی‌های خریدیم می‌شوند. مذهبی‌های صهیونیست در مقایسه با جامعه یهودی که صهیونیسم آن را در فلسطین پایه‌گذاری کرده با پذیرش بیشتری برخورد می‌کنند ولی مذهبی‌های خریدیم نسبت به بقیه جامعه که آنها را بی‌دین می‌دانند بیشترین انزوا را دارند. هر دو گروه در جامعه یهود در اقلیت‌اند به‌طوری که نسبت آنها از ۲۰ درصد افراد جامعه تجاوز نمی‌کند. گروه دوم که بقیه افراد جامعه یهودی را تشکیل می‌دهند سکولارها هستند که در اسرائیل به آنها حیلونیم^۱ یا دنیاگرایان گفته می‌شود و اکثریت افراد جامعه یهودی اسرائیل را تشکیل می‌دهند (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

۴-۵. روس تبارها

مهاجرت یهودیان از روسیه به فلسطین اشغالی در دوره‌های زمانی مختلف صورت گرفت. اما مهم‌ترین موج مهاجرت که مسئله هویت و مشکل جذب و ادغام و چندگانگی زبانی را ایجاد کرد بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ انجام شد و تأثیر زیادی بر تغییرات فرهنگی و سیاسی در اسرائیل داشت. با وجود آنکه عمده مهاجران روس با انگیزه‌های اقتصادی و یافتن فضای امنیت اجتماعی و اقتصادی به فلسطین اشغالی آمدند، اما این مهاجرت، مسئله چندگانگی زبان در اسرائیل را تثبیت نموده و گرایش و جانبداری شخصیت‌های برجسته و رهبران این گروه‌ها به گفتمان قومی راست معارض با اعراب و مسلمانان و ورود فعال به عرصه اسکان و اقامت، روند مناقشه اعراب و یهودیان را افزایش داد. یهودیان روس در واکنش به مشکل به رسمیت شناخته نشدن یهودیت این گروه، به تشکیل هویتی ویژه برای خود روی آوردند و بسیاری از آنها بی‌توجهی خود را به زبان عبری نشان دادند و روزنامه‌ها و مجلات و حتی تئاترهای خاص خود را به زبان روسی راه‌اندازی کردند (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). از همین‌رو رژیم اسرائیل در قالب مدل کوره مذاب، نتایج موفقیت‌آمیزی را کسب نمود.

^۱. Hilonim



۴-۶. یهودیان فلاشه

فلاشه‌ها برخلاف یهودیان روس، از یک کشور جهان‌سومی یعنی اتیوپی وارد فلسطین اشغالی شدند. در سال ۱۹۹۱، رژیم اسرائیل ۱۴ هزار و ۷۸۰ نفر از یهودیان فلاشه را طی یک عملیات انتقال هوایی دسته‌جمعی، موسوم به عملیات سلیمان، وارد فلسطین اشغالی کرد و به‌دنبال آن چند پرواز هوایی دیگر نیز انجام شد تا مجموعه این مهاجران در این سال‌ها به ۴۵ هزار نفر برسد. پیش از این نیز عملیات دیگری با نام عملیات موسی در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی انجام شده بود که طی آن تعدادی کمتر از تعداد مذکور به فلسطین اشغالی منتقل شده بودند (عبدالمالی، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

۴-۷. فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸

به‌دنبال اعلام استقلال رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و سپس جنگ اول عربی-اسرائیلی، اکثریت فلسطینی‌های ساکنین اراضی اشغالی ۱۹۴۸ آواره شده و به‌سمت کرانه باختری، نوار غزه و کشورهای عربی همسایه روانه شدند. آوارگی آنان به معنای سیطره یهودیان بر دارایی‌هایشان بود و عملیات اخراج و مهاجرت اجباری ادامه یافت. این وضعیت بیانگر شکاف و تعارض جدی بین دو جامعه و دو گروه قومی بوده و تاکنون نیز این امر به‌مثابه مهم‌ترین شکاف داخل جامعه رژیم اسرائیل ادامه دارد. عدم‌مشارکت احزاب عربی در کابینه‌های ائتلافی که در حقیقت خط قرمز احزاب صهیونیستی از راست تا چپ است برای اولین بار و در حقیقت از روی اجبار و با هدف شکست نتانیاهو در تشکیل کابینه در کابینه نفتالی بنت کنار گذاشته شد و حزب رثام به رهبری منصور عباس در این کابینه مشارکت داده شد. البته نکته حائز اهمیت این است که هیچ‌پست‌وزارتی به ائتلاف منصور عباس تعلق نگرفت.

۵. تحلیل جایگاه گروه‌های قومی - مذهبی در سیاست و جامعه

تحلیل و بررسی جایگاه گروه‌های قومی - مذهبی در ساختار سیاسی اجتماعی رژیم صهیونیستی، در قالب تقسیم‌بندی آنان به اشکنازی‌ها، سفاردی‌ها، روس‌تبارها، فلاشه‌ها، مذهبی‌ها و عرب‌های ۱۹۴۸، سخت و تقریباً غیرممکن است. زیرا ساختار حکومتی رژیم اسرائیل بر مبنای فعالیت حزبی گروه‌ها و حضور این گروه‌ها در قالب احزاب گوناگون در پارلمان شکل می‌گیرد. هر چند که هر کدام از احزاب موجود در پارلمان کنونی رژیم صهیونیستی نماینده یک یا دو گروه از اقوام است اما انطباق کامل میان اعضای احزاب و افراد متعلق به اقوام، غیرممکن است.



۵-۱- مواضع در خصوص مسائل سیاسی

در قالب تقسیم احزاب اسرائیلی به راست و چپ و انتساب احزاب به نزدیکی به یکی از این دو قطب از خلال مواضع احزاب در قبال چندین موضوع همانند نگاه آنان به روند سازش و مذاکره با تشکیلات خودگردان، پایتختی بیت المقدس، موضع‌گیری در قبال طرح‌های صلح و جایگاه تبادل زمین با فلسطینی‌ها در این طرح‌ها و همچنین نوع موضع‌گیری آنان درباره فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ به دست می‌آید. از همین رو مواضع احزاب گوناگون در قالب دسته‌بندی چهارگانه احزاب راست، چپ، دینی و عربی بررسی می‌شود.

احزاب چپ مجموعه‌ای از احزاب هستند که در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دارای رویکرد سوسیالیستی بوده و از حضور و حمایت دولت در مسائل اقتصادی دفاع می‌کنند. آنان در حوزه روند صلح معتقد به گفتگو با فلسطینی‌ها بوده و خواهان ادغام فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ در زندگی سیاسی- اجتماعی اسرائیلی‌ها هستند. البته مشی اقتصادی سوسیالیستی به‌ویژه با قدرت گرفتن حزب لیکود کمرنگ شده و هم اکنون اقتصاد لیبرالیستی بر این رژیم حاکم است. دو حزب کار و میرتس^۱ با ۱۳ نماینده در انتخابات کنست بیست و چهارم (مارس ۲۰۲۱) حضور دارند. حزب میرتس بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌کند (زیدآبادی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

احزاب راست برخلاف چپ‌گرایان ایده زمین در برابر صلح را نمی‌پذیرند و خواستار شهرک‌سازی در تمام فلسطین بوده و راه‌حل دودولتی را مردود می‌دانند. لیکود^۲، اسرائیل بیتنا^۳، یمینا^۴ و امید جدید^۵ از جمله این احزاب به‌شمار می‌روند. احزاب دینی که از پشتوانه مذهبی برای فعالیت‌های سیاسی خود بهره می‌گیرند به‌لحاظ مواضع سیاسی به احزاب راست نزدیک‌تر و حتی تندروتر هستند. ترور اسحاق رابین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۵ توسط ایگال امیر در حقیقت محصول چنین نگاه افراطی بود. البته این احزاب در پی تأمین منافع گروه‌های مذهبی همچون حمایت مالی از مدارس دینی، حذف سربازی طلبه‌های این مدارس، حمایت از خانواده‌های پرجمعیت یهودی، تعطیلی کامل فعالیت‌ها در روز شنبه و در اختیار داشتن احوال شخصی یهودیان به‌ویژه بخش مذهبی هستند.

1. Meretz

2. Likud

3. Yisrael Beiteinu

4. Yamina

5. New Hope



احزاب عربی یا فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ با وجود اینکه ۲۰ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند اما به‌طور میانگین ۱۰ درصد از کرسی‌های کنست را در اختیار دارند. آنان به‌طور معمول در پی مقابله با تبعیض‌های آپارتایدگونه رژیم صهیونیستی بوده و کمتر موفق به حمایت از فلسطینی‌های کرانه باختری و نوار غزه شدند. البته جنگ ۱۱ روزه سال ۲۰۲۱ و اعتراضات غافلگیرانه آنان نشان‌دهنده شکست سیاست‌های ادغام‌گرایانه رژیم صهیونیستی و تئوری کوره مذاب این رژیم بوده است.

۵-۲- سابقه فعالیت سیاسی و اجرایی

از نظر نگارنده، بررسی تاریخ سیاسی حکومتی رژیم صهیونیستی بیانگر این است که این رژیم، در تاریخ ۷۳ ساله خود، چهار دوره از مدیریت سیاسی حزبی را پشت سر گذاشته است. دوره اول دوره نظام حزبی مسلط است که حدوداً ۳۰ سال طول می‌کشد و از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۷ را در بر می‌گیرد. در این سال‌ها حزب مابام یا کارگر، دولت را در اختیار داشت و موفق شده بود ایده‌های چپ‌گرایانه را به‌ویژه در سیاست‌های داخلی پیگیری نماید.

دوره دوم، دوره حاکمیت حزب لیکود است. این حزب از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۲ قدرت را در اختیار داشت. حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ در همین دوره اتفاق افتاد. اما با فروپاشی شوروی و اعلام نظم نوین از سوی بوش پدر، روند سازش با برگزاری کنفرانس مادرید آغاز شد که این امر با مخالفت گسترده و جدی حزب لیکود مواجه شد و از همین رو در انتخابات ۱۹۹۲ برتری حزب کارگر و نخست‌وزیری اسحاق رابین رخ داد.

دوره سوم از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ دوره دست‌به‌دست شدن قدرت بین دو حزب لیکود و کارگر است. اما دوره چهارم دوره اوج‌گیری راست‌گرایان به رهبری لیکود است. این دوره با نخست‌وزیری شارون از حزب لیکود شروع شد و سپس در قالب حزب کادیمما توسط شارون و سرانجام اولمرت تا سال ۲۰۰۹ ادامه یافت. نخست‌وزیری نتانیاهاو از سال ۲۰۰۹ دوره‌ای ۱۲ ساله را پشت سر گذاشته است و با بیش از ۱۵ سال نخست‌وزیری، بن‌گوریون را پشت سر گذاشت. هر چند که به‌دنبال انتخابات کنست بیست‌و‌چهارم، نفتالی بنت رهبر حزب راست‌گرای یمینا، قدرت را به دست گرفت اما سیاست‌های راست‌گرایانه نتانیاهاو توسط بنت در عرصه‌های داخلی و خارجی ادامه یافت. در حقیقت نخست‌وزیری بنت، تداوم نخست‌وزیری ۲۰ ساله راست‌گراها است.



۳-۵- پایگاه سیاسی - اجتماعی اقوام و احزاب

مشارکت نسبتاً بالای جامعه رژیم اسرائیل در وقایع انتخاباتی که بعضاً از مرز ۸۰ درصد نیز می‌گذرد یکی از ویژگی‌های این جامعه سیاسی است. البته مشارکت فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ مقداری کمتر بوده است.

۳-۵-۱. پایگاه‌های اجتماعی از زاویه جغرافیایی

سوال این است که کدام مناطق به احزاب سکولار و کدام حوزه‌ها به احزاب مذهبی و عربی رأی می‌دهند؟

مناطق عربی: دقت در پراکندگی جغرافیای فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ نشان‌دهنده این نکته است که منطقه الجلیل در شمال فلسطین، منطقه مثلث در مرکز و صحرای نقب در جنوب، عمده مناطق مسکونی آنان را پوشش می‌دهد. در شهرهای ام‌الفحم، ناصره و سخنین نیز اکثریت با آنان است، ضمن اینکه هشت شهر تل‌آویو، یافا، حیفا، اللد، ناصره علیا، عکا و رمله دارای جمعیت ترکیبی یهودی-عربی است.

شهرهای بزرگ: شهرهای بالای صد هزار نفر جمعیت، عموماً با اکثریت یهودی است و عمده این شهرها همانند تل‌آویو، حیفا، هرتزلیا و نتانیا پایگاه اجتماعی احزاب سکولار و چپ‌گرا محسوب می‌شوند. اما بیت‌المقدس و شهرک‌های بزرگ موجود در کرانه باختری همانند آرئیل، گوش عتصیون و مودیعین ایلیت عموماً از احزاب راست‌گرا و مذهبی حمایت می‌کنند.

۳-۵-۲. پایگاه‌های اجتماعی از زاویه قومیتی

بر اساس بررسی آراء احزاب پیروز در کنست می‌توان گفت عموم فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ به احزاب عربی یا فلسطینی رأی می‌دهند. یهودیان شرقی، حامی حزب شاس و لیکود محسوب می‌شوند و یهودیان غربی عمدتاً از احزاب چپ‌گرا همانند حزب کار، حزب میرتس و حزب میانه‌ای چون آبی سفید و حزب یش‌آتید حمایت می‌کنند. مهاجران جدید که عمدتاً از شوروی و اتیوپی روانه فلسطین اشغالی شدند از حزب اسرائیل بیتنا به رهبری آویگدور لیبرمن و همچنین حزب لیکود پشتیبانی می‌نمایند و این روندهای مهاجرتی را جدید که در چند دهه اخیر به وقوع پیوسته است، باید یکی از عوامل گرایش جامعه رژیم صهیونیستی به سمت راست‌گرایی و افراط‌گرایی دانست. حضور ممتد حزب شاس و چند حزب مذهبی دیگر در کنست را باید مرهون حمایت‌های محافل مذهبی یهودی به‌ویژه جناح حریدیم تلقی نمود. تعداد حامیان این

احزاب در شهرک‌های صهیونیستی کرانه باختری و قدس شرقی و همچنین در بیت المقدس، صدف و بنی براک قابل توجه است.

۴-۵. بررسی پایگاه اجتماعی احزاب کنست بیست و چهارم (۲۰۲۱)

پارلمانی بودن حکومت رژیم صهیونیستی سبب می‌شود تا تعداد اعضای احزاب حاضر در کنست نشانگر جایگاه و پایگاه اجتماعی و سیاسی گروه‌ها، قومیت‌ها و احزاب باشد. بیست و چهارمین انتخابات کنست در ۲۳ مارس ۲۰۲۱ برگزار شد. این انتخابات که چهارمین انتخابات در طول دو سال در این رژیم محسوب می‌شود از یک سو به معنای وجود یک بن‌بست جدی در اداره سیاسی این رژیم به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، مبین این مسئله است که انتخابات پارلمانی تنها راه خروج از بن‌بست پیش‌آمده در این رژیم است.

در پی انجام انتخابات مذکور، ۱۳ حزب موفق به کسب حداقل نصاب ورود به پارلمان (۴ کرسی) شدند. بر این اساس حزب راست‌گرای لیکود با کسب ۳۰ کرسی، بیشترین و حزب عربی رثام با کسب ۴ کرسی کمترین تعداد کرسی‌ها را به خود اختصاص دادند (haaretz, Mar 27, 2021).

بر اساس تقسیم‌بندی موجود در عرف سیاسی رژیم اسرائیل، می‌توان این ۱۳ حزب را در پنج دسته قرار داد: دسته اول احزاب راست با ۴ حزب و ۵۰ کرسی شامل لیکود (۳۰ کرسی)، یمینا (۷ کرسی)، اسرائیل بیتنا (۷ کرسی) و امید جدید (۶ کرسی) و در دسته دوم احزاب میانه با دو حزب یش‌آتید (۱۷ کرسی) به رهبری یائیر لاپید و آبی سفید (۸ کرسی) به رهبری بنی گانتس قرار دارند. مذهبی‌ها متشکل از سه حزب شاس (۹ کرسی)، یهودیت تورات متحد (۷ کرسی) و صهیونیسم مذهبی (۶ کرسی)، چپ‌ها با دو حزب کار (۷ کرسی) و میرتس (۶ کرسی) و سرانجام عرب‌ها با دو حزب لیست متحده عرب (۶ کرسی) و رثام (۴ کرسی) در مراحل بعدی قرار می‌گیرند.

۵-۵. سازمان‌ها و رسانه‌های وابسته به گروه‌های قومی و مذهبی رژیم

صهیونیستی

در رژیم اسرائیل علاوه بر اینکه رسانه‌ها و مؤسسات را در مجموع می‌توان به دو دسته چپ‌گرا و راست‌گرا تقسیم نمود همچنین می‌توان از رسانه‌ها و مؤسسات وابسته به اقوام خاص به‌عنوان مثال روس‌تبارها و همچنین مذهبی‌ها و دین‌داران نام برد. در این بخش به نمونه‌هایی از





رسانه‌ها، اندیشکده‌های صهیونیستی، سازمان‌های صهیونیستی و لابی‌های صهیونیستی مستقر در آمریکا اشاره می‌شود.

در عرصه رسانه‌ای، روزنامه‌ها و نشریات متعددی منتشر می‌شوند. روزنامه هآرتص و روزنامه جرزالپست هر کدام دارای حدود یک قرن سابقه انتشار هستند. با برخورداری از نویسندگانی باتجربه، در حال حاضر هآرتص به جناح چپ و جرزالپست به جناح راست منتسب است. در حوزه اندیشکده‌ها نیز می‌توان از اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل نام برد که تا حدی مخالف سیاست‌های امنیتی نتانیاهو بوده و با مدیریت آموس یادلین به دیدگاه چپ‌گرایان نزدیک‌تر است و در مقابل موسسه مطالعات استراتژیک اورشلیم رویکردی محافظه‌کارانه و راست‌گرایانه دارد.

در رژیم اسرائیل سازمان‌های متعددی از حدود یک قرن پیش تاکنون تأسیس شده‌اند که عموماً به یکی از دو جناح راست و چپ و یا بعضاً مذهبی وابسته بوده‌اند. هیستادروت^۱، سازمانی با اهداف اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود که بن‌گوریون نخستین دبیرکل آن بوده است. این اتحادیه کارگری، عموماً تحت سیطره حزب کارگر قرار داشته است. جنبش صلح وابسته به جناح چپ با هدف تقویت صلح از طریق ایجاد کشور فلسطین در کنار رژیم صهیونیستی به‌دنبال تحریک افکار عمومی در داخل است. اما در سوی مقابل جنبش پرداخت بها در پی مقابله با اقدامات و تصمیمات محدود کننده شهرک‌سازی است.

تقسیم‌بندی مذکور در آمریکا و در میان لابی‌های صهیونیستی نیز تسری یافته است. در حالی که لابی آپیک به‌عنوان قدرتمندترین سازمان یهودی آمریکا به‌صورت تمام‌قد از منافع رژیم اسرائیل حمایت می‌کند و دنباله‌روی تفکر راست‌گرایان و احزاب افراطی و حزب لیکود است، اما در مقابل، لابی جی استریت معتقد است برای بقای رژیم اسرائیل باید از خودگذشتگی و با فلسطینیان مدارا کرد (شاهدی، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

۶. چشم‌انداز گسل‌های قومی مذهبی در اسرائیل و تأثیر آن بر تشدید اعتراضات و زوال این رژیم در ۲۵ سال آینده

با بررسی گسست‌ها و چالش‌های کنونی در رژیم اسرائیل، می‌توان ادعا کرد که عمده چالش‌های این رژیم از گسل‌های قومی-مذهبی و هویتی نشأت گرفته است. گسل‌های قومی-مذهبی

^۱. Histadrut



جامعه کنونی اسرائیل نشان می‌دهد که سیاست کوره مذاب در هفت دهه گذشته مؤفق نبوده است. عدم توفیق رژیم صهیونیستی در فرایند همسان‌سازی جامعه خود از طریق کوره مذاب موجب شد تا معضلات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کنونی در این جامعه تشدید شود. در سطور زیر ضمن اشاره به گسل‌ها و شکاف‌های قومی - مذهبی در رژیم صهیونیستی به این سوال پاسخ داده می‌شود که تأثیر این گسل‌ها بر تشدید اعتراضات و زوال این رژیم در دهه‌های آتی چیست؟

۶-۱. گسل‌ها، گسست‌ها و چالش‌های سیاسی - حکمرانی

نظام پارلمانی در رژیم صهیونیستی موجب می‌شود تا تشکیل کابینه بر اساس وضعیت و چگونگی قدرت و تعداد کرسی‌های احزاب گوناگون در پارلمان یا کنست شکل بگیرد. این امر مشکلاتی را ایجاد می‌نماید. ظهور و سقوط احزاب صهیونیستی و تعدد این احزاب در کنار ائتلافی بودن کابینه‌ها، خواسته‌های ویژه احزاب مذهبی، چالش‌های مستمر نظامی - امنیتی و همچنین سهم‌خواهی‌های حزبی به‌ویژه در زمان تعیین بودجه و تقسیم پست‌های وزارتی در این چارچوب قابل اشاره است. همچنین عدم وجود قانون اساسی، غالب بودن نگاه امنیتی بر سیاست خارجی، چالش‌های مستمر نظامی - امنیتی در داخل و خارج، حذف احزاب فلسطینی از سیاست‌گذاری، خواسته‌های ویژه مذهبیون، فساد گسترده در میان سران سیاسی - مذهبی و بی‌اعتمادی سران این رژیم به یکدیگر به دلیل نگاه منفعت‌محور آنان از جمله چالش‌های سیاسی محسوب می‌شود که عمده‌تأثیر ریشه در گسست‌ها و گسل‌های قومی مذهبی دارد. تأسیس احزاب صهیونیستی بیش از آنکه ناشی از اهداف مشخص و بلندمدت بوده باشد، نشأت گرفته از اقوام و گروه‌های با هویت نژادی و قومی مشخص است. در نتیجه، این نظام سیاسی - حکومتی همواره با چالش‌های متعددی مواجه بوده است و موجب شده طی ۷۳ سال گذشته به جای ۱۸ کابینه چهارساله، شاهد فعالیت ۳۶ کابینه بوده و هیچ چشم‌انداز مثبت و روشنی در میان‌مدت برای حل این معضلات قابل تصور نیست (رضوی، ۱۳۹۹: ۱۹).

۶-۲. چالش حقوقی میان پارلمان و دستگاه قضا

از آنجایی که دادگاه عالی به‌طور سنتی در اختیار چپ‌گرایان بوده است، اما طی دو دهه اخیر و با حاکمیت راست‌گرایان بر کابینه، شاهد بروز و تشدید اختلافات بر سر این موضوع هستیم که چرا دادگاه عالی با اختیارات وسیع خود همواره مانعی در برابر مصوبات کنست یا پارلمان و عاملی محدودکننده در مقابل قدرت نخست‌وزیر و کابینه به حساب می‌آید. در این چارچوب لزوم حفظ



جایگاه قوه مقننه، بهانه‌ای برای تشدید حملات پارلمان و قوه اجرایی علیه دادگاه عالی شده تا جایگاه حقوقی و عرفی دادگاه عالی را ضعیف نموده و حتی در این داستان افکار عمومی را نیز با خود همراه نموده‌اند. با توجه به این شرایط پیش‌بینی می‌شود که به تدریج جایگاه دادگاه عالی از وضعیت کنونی تنزل یافته و به یک نهاد پایین‌دستی تبدیل شود. در آن صورت نهاد مؤثر یعنی دادگاه عالی فاقد توان لازم برای حل و فصل گسل‌ها و گسست‌های متکثر موجود در جامعه و حکومت این رژیم خواهد بود (گودرزی، ۱۳۹۹: ۳۶).

۳-۶. چالش‌های اقتصادی

اگرچه مقامات رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر تلاش فراوانی کرده‌اند که اقتصاد این رژیم را شکوفا جلوه دهند اما اعتراضات دهه دوم قرن ۲۱ در این رژیم نشان‌دهنده این است که این جامعه همچنان با معضلات اقتصادی جدیدی دست به‌گریبان است. تظاهرات اعتراضی به تقسیم ثروت در سال ۲۰۱۲ که در آن ۱۳ نفر خودسوزی کردند بزرگترین تظاهرات چند دهه اخیر در این رژیم است که نشان‌دهنده شکاف درآمدی در این رژیم بوده و احتمالاً موجب اعتراضات مجدد در آینده خواهد شد. طبق آمارهای بین‌المللی حدود ۹ میلیون نفر در این رژیم زندگی می‌کنند و تولید ناخالص داخلی آن حدود ۳۷۰ میلیارد دلار است، اما با این وجود، اعتراضات مستمری در مناطق حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ در مورد وضعیت اقتصادی اجتماعی رخ می‌دهد. چراکه علیرغم رشد اقتصادی، اما نابرابری‌های اقتصادی کماکان ادامه دارد. ریشه این نابرابری‌ها را باید در شکاف‌های قومی- مذهبی مشاهده کرد. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۷، نسل دوم اشکنازی‌ها دارای بیشترین حقوق دریافتی بودند در حالی که دستمزد یهودیان شرقی تبار کمتر از آنها و سپس شهروندان فلسطینی قرار می‌گیرند تا جایی که درآمد فلسطینی‌های مقیم اراضی اشغالی ۱۹۴۸، حدود دو سوم دستمزد متوسط یهودیان است. ضمن اینکه یهودیان اتیوپی تبار کمترین دستمزدها را در ازای فعالیت‌های خود دریافت می‌کنند (Swirski, 2019). همچنین بر اساس آمارهای مؤسسه بیمه ملی رژیم اسرائیل، حدود نیمی از فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ زیر خط فقر زندگی می‌کنند اما این آمار در میان یهودی‌ها حدود ۱۳ درصد بوده است. البته بیشترین میزان فقر در میان یهودیان نیز به مهاجران اتیوپی تبار تعلق دارد (Shaoul, 2020).

۴-۶. چالش حفظ دولت - ملت یهودی

این چالش یا گسست نسلی در حقیقت به کم‌توجهی نسل جدید این رژیم، نسبت به آموزه‌های صهیونیسم اشاره دارد. هویت آرمانی صهیونیسم، یهودیان نوینی ایجاد کرد که به زبان عبری مسلط بوده و به‌جای بی‌سرزمینی در گذشته، به سرزمین جدید خود عشق بورزند و منافع و رفاه خود را در راه ملت‌شان قربانی و با تمام وجود از رژیم صهیونیستی در برابر دیگران دفاع کنند. این هویت آرمانی از طریق دو نهاد به جوانان اسرائیلی القا می‌شد: ارتش و نظام آموزشی. این دو، ابزارهای بسیار مهم و اساسی در روند ایجاد هویت ملی هستند. اما طی دو دهه اخیر شاهد افول کارکرد هویت‌سازانه این دو نهاد در رژیم صهیونیستی بوده‌ایم (موسوی، ۱۳۹۹: ۷۷).

ارتش که در حقیقت نخستین عرصه خلق هویت صهیونیستی و بهترین مجرای همسان‌انگاری و محل پیاده‌سازی تئوری کوره مذاب محسوب می‌شود و برای بسیاری از اسرائیلی‌ها خدمت در ارتش به‌معنای عبور از دوران جوانی به بزرگسالی است، کارکرد خود را تا حدی از دست داده است. چرا که در حال حاضر، گذشته از فلسطینی‌های مقیم اراضی اشغالی ۱۹۴۸، یهودیان مذهبی یا ارتدکس‌های افراطی نیز در قالب بخشی از امتیازاتی که توانسته‌اند اخذ کنند در ارتش خدمت نمی‌کنند. ضمن اینکه سرپیچی از خدمت وظیفه در حال افزایش است. امروزه فقط ۵۰ درصد از ساکنین رژیم اسرائیل که به سن خدمت رسیده‌اند واقعاً در ارتش خدمت می‌کنند (Harel, 2012). با توجه به بالاتر بودن نرخ زادوولد فلسطینی‌ها و یهودیان مذهبی در مقایسه با کل جامعه رژیم اسرائیل، این چالش در سال‌های آینده جدی‌تر خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۹: ۷۹).

دومین نهادی که برای ساخت هویت مورد استفاده قرار می‌گیرد نظام آموزشی است. اما امروزه به‌دلیل کمبود بودجه، افزایش جمعیت و جذب نخبگان اسرائیلی (صهیونیستی) به‌سمت مشاغل مرفه‌تر، معلمان اسرائیلی حقوق بسیار اندکی در مقایسه با دیگران دریافت می‌کنند و کلاس‌های درس این رژیم، در زمره شلوغ‌ترین کلاس‌های درس در جهان هستند. نتیجه اینکه تنزل موقعیت نظام آموزشی این رژیم ظرفیت هویت‌سازی دولت را تضعیف نموده و این رژیم در مقایسه با دهه‌های اولیه تأسیس خود کمتر می‌تواند اندیشه صهیونیسم را به نسل جوان کنونی تلقین کند (همان).





۶-۵. چالش پسا صهیونیسم

چالشی که در چند دهه اخیر و عمدتاً در سطح نخبگانی در مورد اصول و مبانی صهیونیسم به وجود آمده و از آن به پسا صهیونیسم یا عباراتی چون فرا صهیونیسم و مابعد صهیونیسم نیز یاد می‌شود، در حقیقت یک گسل و گسست جدی در باورهای صهیونیست‌ها ایجاد می‌کند. آنان، که در حقیقت تاریخ‌نگاران جدید و جامعه‌شناسان منتقد به حساب می‌آیند دو ساحت گوناگون روایت تاریخی و تضادها و شکاف‌های درونی در رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده‌اند. رژیم صهیونیستی دو اسطوره مشروعیت‌ساز برای خود ساخته است که هر دوی آنها مورد حمله پسا صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند. اولین اسطوره، روایتی خاص از تاریخ است که نتیجه آن، «ملت مظلوم یهود» است. هرتزل در کتاب دولت یهود، مظلومیت یهودیان را عامل اصلی حرکت خود در جهت تشکیل موطنی برای یهودیان می‌داند. همچنین استفان والت و جان مرشایمر در کتاب معروف لابی اسرائیل، علت حمایت جهان غرب از این رژیم را همین مظلومیت‌نمایی دانسته‌اند. اما پسا صهیونیست‌ها همانند بنی‌موریس و ایلان پاپه، این مظلوم‌نمایی را زیر سوال می‌برند (پورحسن، ۱۳۹۹: ۲۶).

اسطوره دوم که توسط پسا صهیونیست‌ها به چالش کشیده شده است اسطوره «دولت دموکراتیک رژیم صهیونیستی» است. پسا صهیونیست‌ها، تضاد درونی میان سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها، اعراب فلسطینی و یهودیان و همچنین سکولارها و افراطیون مذهبی را شکاف‌های اجتماعی-سیاسی بنیادین در جامعه اسرائیلی معرفی کرده‌اند که پایه و اساس برند اسرائیل را خدشه‌دار می‌کند. جنبش پسا صهیونیسم، رژیم صهیونیستی را بر سر یک دوراهی قرار داده است چرا که اگر این رژیم بر مؤلفه‌های گفتمانی صهیونیستی تأکید نماید شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در آن تشدید خواهد شد و موجب تقویت و نهادینگی شرایط پسا صهیونیسم می‌شود و در مقابل اگر درصدد تضعیف پسا صهیونیسم برآید، لاجرم از تداوم مهاجرت یهودیان، حمایت‌های غرب و نیز مشروعیت سیاسی داخلی بر اساس روایت صهیونیستی، به‌ویژه از تاریخ آن کاسته می‌شود. از همین‌رو، پسا صهیونیسم چالشی مزمن و تهدیدآفرین برای گفتمان صهیونیستی در آینده خواهد بود. البته قابل ذکر است که این جنبش، جنبشی انتقادی است و نه ضد صهیونیستی (همان: ۲۸).

۷. تأثیر گسل‌های قومی - مذهبی بر زوال رژیم اسرائیل

رژیم صهیونیستی طی چهار دهه اول عمر خود به دلیل مواجهه با دشمنی کشورهای عربی و همچنین حضور نسل مؤسسان و بنیانگذاران این رژیم، از شرایط نسبتاً مطلوبی برای رشد و پیشرفت در عرصه هویت‌سازی و ملت‌سازی برخوردار بود. اما طی سه دهه اخیر چالش‌های جدید اجتماعی، سیاسی و مذهبی، این رژیم را با بحران‌های سخت و شکننده مواجه کرده است. در همین چارچوب برای اولین بار پس از هفت دهه از عمر این رژیم نامشروع، شاهد برگزاری چهار انتخابات زودرس پارلمانی در عرض دو سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) و ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) هستیم. این ناکامی و بن‌بست، در حقیقت ناشی از تعمیق گسل‌های قومی - مذهبی در این رژیم و انتقال آن به رأس هرم و سطح ساختار سیاسی حکومت آن است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت عواملی چون ۱. شکاف‌های اجتماعی، ۲. نظام اقتصادی و شکاف حاد طبقاتی، ۳. تغییر فرهنگ سیاسی در رژیم صهیونیستی یا در حقیقت آمریکایی شدن اسرائیل در نتیجه، جهانی شدن، ۴. چالش نوع دولت یعنی دولت یهودی یکپارچه یا دو دولت فلسطینی و اسرائیلی، ۵. چالش دولت یهودی یا دولت سکولار و ۶. شکاف جمعیتی و هویتی ساکنان رژیم صهیونیستی در دهه آینده، موجب شده است که فرایند دولت - ملت‌سازی که از سوی بنیانگذاران رژیم صهیونیستی از زمان تشکیل این رژیم در سرزمین‌های اشغالی به شکل بالا به پایین، با مؤلفه‌های خاص و ویژه در حال جبران بود از اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی دچار چالش شود (فایضی، ۱۳۹۹: ۷۵).

با توجه به موارد فوق‌الذکر، در سال‌های اخیر، مسائل داخلی و اجتماعی در کانون برنامه‌های عمومی رژیم صهیونیستی قرار گرفته و با وجود اهمیت مباحث مرتبط با امنیت خارجی، عموم مردم به چالش‌ها و اختلافات داخلی بیش از تهدیدات امنیتی خارجی توجه داشته‌اند، به‌نحوی که بر مبنای مطالعه و نظرسنجی عمومی مؤسسه «مطالعات امنیت ملی اسرائیل» از یهودیان این رژیم در سال ۲۰۱۸، ۲۰ درصد بالایی از آنها درباره تهدیدات داخلی نگران هستند. طبق این نظرسنجی، ۳۹ درصد مردم رژیم صهیونیستی از تهدیدات امنیتی خارجی، ۲۴ درصد از تهدیدات داخلی و اجتماعی و ۳۷ درصد نیز از هر دو تهدید داخلی و خارجی نگرانند (Israeli Zipi, January 27, 2018). این موضوع به روشنی، افزایش نگرانی صهیونیست‌ها در خصوص تحولات و منازعات داخلی این سرزمین را نشان می‌دهد؛ نگرانی و چالشی که آثار و پیامدهایی، هم به‌لحاظ داخلی و هم به‌لحاظ بیرونی، برای چشم‌انداز پیش‌روی این رژیم خواهد داشت.





از آنجایی که در حال حاضر، شکاف‌های قومی و مذهبی جامعه صهیونیستی، تضادهای نهفته در ایدئولوژی صهیونیسم را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرده است، وجود شکاف‌های مذکور می‌توانند ثبات سیاسی و امنیت ملی این رژیم را با مخاطرات قابل توجهی مواجه سازد و مشخص نیست که جامعه صهیونیستی با چنین وضعیتی، تا چه میزان از توانایی مدیریت تعارضات و توان تحمل شکست‌ها و فشارهای خارجی برخوردار خواهد بود و در صورت وارد آمدن فشار سنگین خارجی یا حتی همزمانی فشارهای داخلی و خارجی، جامعه صهیونیستی با چه چالش‌ها و بحران‌هایی روبرو خواهد شد (پورحسن، ۱۳۹۹: ۳۳). البته تغییر معادلات در سطح منطقه به نفع نیروهای مقاومت و فرسایش قدرت بازدارندگی اسرائیل و از دست دادن ابتکار عمل و قدرت یکسره‌کنندگی در برابر محور مقاومت به علت معادلات بازدارندگی، بحران‌های این رژیم را به‌ویژه در برابر مقاومت در لبنان و نوار غزه دوچندان کرد.

۸. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد رژیم اسرائیل در چندین دهه ابتدایی عمر خود تلاش کرده بود تا در قالب ایده کوره مذاب جامعه‌ای یک‌دست و مطابق با آرمان‌های خود تأسیس و تربیت کند. اما گوناگونی این جامعه و ورود گروه‌ها با قومیت‌ها و نژادهای مختلف از سراسر جهان به فلسطین اشغالی، سبب بروز مشکلات و سختی‌های مضاعف شده و در حقیقت عملیاتی شدن ایده کوره مذاب را به شکست کشاند. این امر سبب شد تا رژیم صهیونیستی از طریق ایده‌هایی همانند ارتباطات میان فرهنگی، درصد همگرایی و یا نزدیک ساختن فرهنگ‌های یهودیان از قومیت‌ها و نژادهای شرقی، غربی و آفریقایی برآید. علاوه بر این، وجود شکاف عمیق بین یهودیان و فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ موجب شد تا پس از شکست ایده کوره مذاب در این رابطه، ارتباطات میان فرهنگی نیز توفیق‌چندانی نیابد.

تحلیل و بررسی سیاست‌های رژیم صهیونیستی در قبال قومیت‌های متعدد موجود در فلسطین اشغالی بیانگر این واقعیت است که این رژیم از سه نوع سیاست تبعیض (در قبال مسلمانان اراضی اشغالی ۱۹۴۸)، انتقاد (در قبال اقلیت ۲۰ درصدی مذهبی جامعه خویش) و تشویق (در مورد اکثریت یهودی سکولار) استفاده می‌کند. بیشترین شکاف و فاصله در حقیقت میان اکثریت یهود و اقلیت فلسطینی‌های مسلمان اراضی اشغالی ۱۹۴۸ وجود دارد. به بیان دیگر رژیم اسرائیل به صورت رسمی و از طریق نهادهای قانونی و اجرایی، سیاست تبعیض و



آپارتایدگونه را در قوانین این بخش از جمعیت ۲۰ درصدی خود اعمال می‌کند. عدم امکان حضور این بخش از فلسطینی‌ها در ساختار نظامی و سیاسی به موازات تبعیض‌های فراوان در حوزه خدمات اجتماعی و اقتصادی، نشان از تبعیض سازمان‌یافته در مورد آنان دارد. از همین رو شکاف میان فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و اکثریت یهود در مقاطعی همانند جنگ ۱۱ روزه سال ۲۰۲۱ و حوادث منطقه شیخ جراح و همچنین حمایت آنان از اسرای فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی، خود را نشان داده است. رژیم اسرائیل نه تنها از طریق تئوری کوره مذاب موفق به جذب و حاکمیت ارزش‌های صهیونیستی بر آنان نشد بلکه ارتباطات میان‌فرهنگی نیز در این راستا توفیق چندانی نداشته است.

در مرحله بعد، رژیم صهیونیستی سیاست انتقادی را در قبال اقلیت ۲۰ درصدی مذهبی جامعه خویش در پیش گرفته است. دقت در سخنرانی‌های چند سال اخیر روون ریولین رئیس‌جمهور سابق رژیم صهیونیستی در کنفرانس سالانه هرتزلیا که همواره در مورد افزایش جمعیت یهودیان مذهبی و متعاقباً کاهش جمعیت یهودیان صهیونیست و سکولار هشدار می‌داد، بیانگر این واقعیت است که این رژیم موفق به حاکم نمودن اصول صهیونیسم بر این بخش از یهودیان نشده است. چرا که یهودیان مذهبی، ضمن استنکاف از انجام خدمت نظامی، در اقتصاد و بخش‌های تولیدی خدماتی این رژیم نیز مشارکتی حداقلی دارند. این در حالی است که ارتش و اقتصاد به‌عنوان دو ستون اصلی رژیم اسرائیل نقش حیاتی در تأسیس یا تداوم حیات آن داشته است. چنین وضعیتی مبین واقعیت ناخوشایند دیگری برای رژیم صهیونیستی است و آن اینکه این رژیم در سال‌های آینده به‌شدت از کاهش جمعیت فعال در دو عرصه اقتصاد و نظامی‌گری رنج خواهد برد. چنین نتیجه‌ای در خروجی رسانه‌ها و همچنین بر پایه نظرسنجی‌های مؤسسات نظرسنجی قابل مشاهده است. مقاومت یهودیان مذهبی در مقابل سیاست‌های صهیونیستی در چارچوب کوره مذاب موجب شد تا ارتباطات میان‌فرهنگی میان این دو بخش از یهودیان، مد نظر قرار گیرد.

احتمالاً بتوان یک موفقیت نسبی را در اجرای نظریه کوره مذاب در قبال صهیونیست‌های غیرمذهبی در دهه‌های ابتدایی تأسیس رژیم اسرائیل مشاهده کرد. انتخاب الگوی کیبوتص^۱ در مراحل ابتدایی تشکیل این رژیم به‌عنوان یک کوره و نیز تشکیل جامعه سیاسی، دینی و

^۱. kibbutz



اقتصادی برای ذوب کردن همه مهاجران در هسته‌های مختلف اشتراکی- اجتماعی آن نیز علی‌رغم موفقیت‌های اولیه، اما در دهه‌های پایانی قرن گذشته شکست خورد. شاهد مثال این که با وجود غیرمذهبی بودن عمده مهاجران یهودی از شوروی به فلسطین اشغالی در دهه ۱۹۹۰، اما آنان با حفظ فرهنگ و زبان پیشین خود درصدد جدایی از سیاست‌های ادغام‌گرایانه برآمدند و با تأسیس احزابی جدید و رسانه‌هایی متفاوت به استقلال فرهنگی و مخالفت با سیاست‌های کوره مذاب روی آوردند. طبیعتاً رژیم اسرائیل با آنان نیز چاره‌ای جز تعامل بر اساس ارتباطات میان فرهنگی و یا تعاملات فرهنگی نداشته است.

بنابراین، در پاسخ به سؤال اصلی مبنی بر اینکه «گروه‌های قومی-مذهبی متعدد در رژیم صهیونیستی از چه جایگاهی در ساختار اجتماعی و حکومتی این رژیم برخوردار هستند»، با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت جایگاه‌ها و مناصب حکومتی، نظامی و قدرت اقتصادی عمدتاً در اختیار یهودیان اشکنازی و سپس دیگر یهودیان ساکن فلسطین اشغالی است. یهودیان فلاشا و همچنین فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ از کمترین امتیازات سیاسی اجتماعی برخوردار هستند. به‌عنوان مثال برای اولین بار یک حزب عربی به‌نام رثام به رهبری منصور عباس موفق به حضور در کابینه این رژیم با نخست‌وزیری نفتالی بنت شد. ضمن اینکه به این حزب هیچ جایگاه وزارتی تعلق نگرفت. با توجه به تعمیق و تشدید گسل‌های قومی- مذهبی و شکست اجرای ایده کوره مذاب و ارتباطات میان فرهنگی، چشم‌انداز زوال رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان دیگری تقویت شده است.

۹. پیشنهادهای رسانه‌ای

- تولید مستندها و گزارش‌هایی از رسانه‌های صهیونیستی با محتوای تبعیض علیه فلسطینی‌های ۱۹۴۸ و تداوم اعتراضات و مخالفت‌های آنان در مورد سیاست‌های آپارتایدگونه رژیم صهیونیستی.
- برجسته‌سازی تبعیض‌های قومی و نژادی میان یهودیان سیاه‌پوست و سفیدپوست و حتی میان یهودیان اشکنازی و غیر اشکنازی در سرزمین‌های اشغالی و تأثیر این موضوع بر زوال رژیم صهیونیستی.
- مقایسه نژادپرستی و تبعیضات قومی حاکم بر رژیم صهیونیستی با آپارتاید در آفریقای جنوبی سابق یا رودزیا.



- ارائه آماری از ترکیب زندانیان موجود در زندان‌های رژیم صهیونیستی با محوریت نقش قومیت در میزان جرم و جنایت با نوع رفتار دستگاه قضایی رژیم صهیونیستی با مجرمان بر اساس قومیت.
- ترغیب جنبش بایکوت اسرائیل (BDS) به سوی تحریم‌های بیشتر رژیم صهیونیستی به دلیل تبعیض‌های سیستماتیک قومی، نژادی و حتی دینی.
- برجسته‌سازی هر چه بیشتر اشتراکات ساختار تبعیض‌آمیز حاکم بر آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف نشان دادن ماهیت ضدبشری آنها.
- استخراج و بیان قوانین دولتی و مصوبات کنست که ماهیت نژادپرستانه قومی، نژادی و دینی در قبال ساکنان اراضی اشغالی به‌ویژه یهودیان دارد.
- تبیین علل شکست و اجرای ایده کوره مذاب و ارتباطات میان فرهنگی در جامعه رژیم صهیونیستی و تأثیر این موضوع بر زوال آن.
- تبیین علل ادغام شدن اعراب و فلسطینیان اراضی اشغالی ۱۹۴۸ در جامعه رژیم صهیونیستی با محوریت نقش آنها در اعتراضات به حوادث منطقه شیخ جراح و جنگ ۱۱ روزه
- تولید گزارش‌های ویژه راجع به آن دست از قطعنامه‌هایی که رژیم صهیونیستی را رژیم آپارتایدی معرفی می‌کند از جمله قطعنامه ۳۳۷۹ مصوب ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
- تبیین مصادیق داخلی و خارجی فرمایش مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ مبنی بر زوال رژیم صهیونیستی در ۲۵ سال آینده



منابع

- ابوحسنه، نافذ (۱۳۸۱)، **کالبدشکافی جامعه صهیونیستی در فلسطین اشغالی**، (ترجمه محمدرضا حاجیان)، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- اعجازی، احسان (۱۳۹۹)، «چالش‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی؛ تشدید شکاف طبقاتی»، **ماهنامه امنیت بین‌الملل**، سال سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۹)، «بررسی ایدئولوژی صهیونیسم نزد افکار عمومی؛ واکاوی ایده پسا صهیونیسم»، **ماهنامه امنیت بین‌الملل**، سال سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رزوی، سلمان (مرداد ۱۳۹۹)، «رژیم صهیونیستی و چالش‌های سیاسی حکمرانی»، **ماهنامه امنیت بین‌الملل**، سال سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رضی، حسین (۱۳۷۷)، «ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)»، **فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق**، شماره ۶ و ۷، صص ۱۶۶-۱۳۵.
- زیدآبادی، احمد (۱۳۸۱)، **دین و دولت در اسرائیل**، تهران: نشر روزنگار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان.
- سروش‌نژاد، احمد (۱۳۸۵)، **صهیونیسم: نوزایی، استقرار و فروپاشی**، تهران: نشر نی.
- شاهدی، محمد (۱۳۹۹)، **لابی‌های صهیونیستی در آمریکا (انشعاب لابی جی استریت از آپیک)**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، **فرهنگ علوم رفتاری**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عبدالعالی، عبدالقادر (۱۳۹۱)، **رژیم اسرائیل و گسست‌های سیاسی اجتماعی آن**، (ترجمه محمد خواجویی)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فایضی، محمدمحسن (۱۳۹۹)، **هویت مذهب و ملت‌سازی در اسرائیل**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کاظمی، احمد و کفایی‌فر، محمدعلی (۱۳۹۹)، «تأثیر نظریه چندفرهنگ‌گرایی بر توسعه حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل»، **مطالعات میان فرهنگی**، شماره ۴۳، صص ۱۰۸-۸۵.
- گودرزی، طاهره (۱۳۹۹)، «رژیم صهیونیستی و چشم‌انداز چالش‌های حکمرانی؛ چالش حقوقی میان کنست، حکومت و دستگاه قضا»، **ماهنامه امنیت بین‌الملل**، سال سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.



ماضی، محمد (۱۳۸۱)، **سیاست و دیانت در اسرائیل**، (ترجمه سیدغلامرضا تهامی)، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

موسوی، سیدحامد (۱۳۹۹)، «دلایل و شواهد تنزل رژیم صهیونیستی؛ بحران فراگیر در ارتش و آموزش»، **ماهنامه امنیت بین‌الملل**، سال سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مقام معظم رهبری (۱۳۹۴/۰۶/۱۸)، «بیانات در دیدار افشار مختلف مردم»، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=30716&nt=2&year=1394&tid=2983>
Ephraim, Ya'ar (2005), "Continuity and Change in Israeli Society: The Test of the Melting Pot", **Israel studies**, January, volume 10, number 2: Available at: <https://www.researchgate.net/publication/236722276>

Fischer, Nancy L (1996), "Forword", in Gary R. Weaver, *Culture, Communicat. Conflict: Readings in Intrecultural Relations*, pp. xiii-xiv.

Haaretz (Mar 27, 2021), Israel Election Results: Who's Heading to the Knesset - Full List, Available at: <https://www.haaretz.com/israel-news/elections/israel-election-results-who-s-heading-to-the-knesset-1.9654622>

Harel, Amos (2012), "Major Drop Recorded in Number of Secular IDF Draft Dodgers", Available at: <https://www.haaretz.com/draft-back-in-fashion-among-secular-jews-1.5265553>

Israeli Zipi (January 27, 2018), Survey: Israelis worry most about threats internally and from the north, Available at: <https://www.jpost.com/jerusalem-report/the-israeli-public-worried-about-threats-internally-and-from-the-north-539684>

Samovar. Larry A., Richard E. Porter (1994), **Intrecultural Communication: A Belmont**, Wadsworth, United States of America.

Shaoul, Jean (2020), "Israel's deepening poverty, social inequality ignored in election campaign", Available at: <https://www.wsws.org/en/articles/2020/02/29/isra-f29.html>

Swirski, Shlomo, et al (2019), "Israel: A Social Report 2018", Available at: <https://adva.org/en/socialreport2018/>